

## نمود در ترکیب فعلی: پژوهشی پیکره‌بنیاد

موسی غنچه‌پور\*

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴)

### چکیده

در این نوشتار نمود دستوری و واژگانی و انواع آنها در ترکیب‌های فعلی زبان فارسی معاصر بررسی شده است. داده‌های این پژوهش برگرفته از رساله دکتری نگارنده (غنچه‌پور، ۱۳۹۲) و بالغ بر ۸۵۷۹ واژه مرکب فعلی است که از فرهنگ بزرگ سخن (انوری، ۱۳۸۶) استخراج شده است. بررسی پیکره فوق نشان داد که دو نوع نمود دستوری و واژگانی که در فعل و جملات گزارش شده است، در ترکیب‌فعلی نیز وجود دارد و ساختار درونی ترکیب‌های فعلی در زبان فارسی نشان دهنده گستره زمانی و وجه انجام کنش یا حالت هستند. علاوه بر این، ترکیب‌های فعلی به لحاظ نمود دستوری، در دو طبقه کامل (تداومی، غیر تداومی، برآیندی و تجربه‌ای) و ناقص (تکراری، عادی و مستمر) دسته‌بندی شده‌اند. همچنین، این واژه‌های مرکب به لحاظ نمود واژگانی، با توجه به مؤلفه‌های معنایی [±پویایی]، [±سنجه‌ای]، [±غایی] و [±تداومی]، به دو طبقه کلی ایستا و غیرایستا متمایز شده‌اند. ترکیب‌های فعلی غیرایستا نیز به انواع غیرسنجه‌ای (کنشی و تک‌رویدادی)، سنجه‌ای بسته (دونقطه‌ای و چندنقطه‌ای) و سنجه‌ای باز متمایز و مشخص گشته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** نمود، ترکیب‌فعلی، سنجه‌ای، مستمر، غایتمند.

---

\* E-mail: m\_ghonchepour@yahoo.com (نویسنده مسئول)

## ۱. مقدمه

ترکیب فرایندی بسیار زایا در زبان فارسی است که در ساخت بسیاری از واژه‌ها مشارکت دارد. در پژوهش‌هایی که اخیراً در زبان فارسی (غنچه پور، ۱۳۹۲: ۲۴۷؛ خباز، ۱۳۸۵: ۱۴۱) و دیگر زبان‌ها، نظیر انگلیسی (Harely, 2009: 130) و هلندی (Don, 2009: 370) انجام شده است، زبان‌شناسان دو نوع ترکیب فعلی و غیرفعلی را مشخص نموده‌اند. با توجه به داده‌های زبان فارسی، ترکیب فعلی واژه غیربسیطی است که از دو یا چند پایه، واژه و یا گروه نحوی تشکیل شده است و هسته نحوی آن (که مقوله دستوری ترکیب را تعیین می‌کند) برگرفته از فعل و پایه دیگر، موضوع<sup>۱</sup> (معنایی و یا نحوی) است، مانند «مداد تراش» که «مداد» موضوع و «تراش» هسته نحوی است. حال آنکه هسته نحوی ترکیب غیرفعلی، سازه برگرفته از فعل نیست، مانند «رنگین کمان» که سازه «کمان» هسته نحوی است. به عبارت دیگر، پایه ترکیب فعلی که ترکیب اشتقاقی نیز نامیده می‌شود، واژه اشتقاقی است. ساختار و سازه‌های تشکیل دهنده ترکیب فعلی نشان می‌دهند که ترکیب نه فقط از دو یا چند واژه، بلکه از سازه‌های کوچک‌تر از واژه (ستاک و ریشه) و نیز سازه‌های بزرگ‌تر از واژه (گروه) تشکیل می‌شود. بنا بر تعریف بالا، در ساختار ترکیب فعلی، تکواژهای آزاد و وابسته مشاهده می‌شود و سازه برگرفته از فعل یا سازه اشتقاقی، هسته نحوی ترکیب است. موضوع معنایی عامل/کنشگر، کنش پذیر، ابزار، بهره‌ور، مکان، مبداء، پذیرنده، تجربه‌گر و عمل است (غنچه پور، ۱۳۹۲: ۲۳۰). بنابراین، ترکیب و به‌ویژه ترکیب فعلی پارامتر زبانی یا عنصر زبانی ویژه به مفهومی است که چامسکی (Chomsky, 1981: 3-4) بیان

---

1. argument

نموده است، به گونه‌ای که در هر زبان صورت و یا ساختار و نیز تعریف خاص خود را دارد.

نمود و زمان دستوری مقوله‌های مفهومی مرتبط با زمان انجام عمل، رویداد و یا حالت هستند که به جنبه‌ها و مؤلفه‌های مستقل در دستور اشاره دارند. زمان دستوری به ارتباط بین زمان انجام عمل یا رویداد با زمان دیگری که معمولاً زمان گفتگو است اشاره می‌کند؛ حال آنکه نمود در ارتباط با گستره زمانی رویداد، مستقل از زمان انجام آن رویداد است. به عبارت دیگر، نمود روش‌های متفاوت و متنوع نگرش به ساختار درونی و زمانی یک رویداد است (Comrie, 1976: 3, 5).

نمود اصطلاحی کلی تلقی می‌شود که ارتباط بین ساختار درونی یک رویداد را با زمان انجام آن برقرار می‌سازد. در مطالعات مربوط به نمود، دو نوع نمود دستوری و واژگانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نمود دستوری (Comrie, 1976: 8) که از آن به نمود زاویه دید (Smith, 1991 & 1997: 61) و نمود بیرونی (Travis, 2010: 2-7) نام برده می‌شود، عبارت است از بازنمایی ساختار درونی رویداد به لحاظ زمان انجام آن (Comrie, 1976: 52). نمود واژگانی به نمود موقعیت (Travis, 2010: 2 & Smith, 1991: 3)، نمود درونی (McDonald, 2008: 4) و نوع کنش (Tenny & Pustejovsky, 2000: 6) و یا طبقه نمودی فعل مانند ایستا<sup>۱</sup>، کنشی<sup>۲</sup>، غایتمند<sup>۳</sup> و تحقیقی<sup>۴</sup> (Vendler, 1976: 105-120) اشاره دارد و عبارت است از بیان مشخصه‌های ذاتی موقعیت نظیر اتمام‌پذیری، اتمام‌ناپذیری، لحظه‌ای، دیرشی، ایستایی و پویایی. نمود دستوری شامل نمود

- 
1. state
  2. activity
  3. accomplishment
  4. achievement

کامل و ناقص است. نوع کامل به رویدادی اشاره دارد که به لحاظ زمانی مقید است، حال آنکه نمود ناقص به رخداد، بدون ملاحظه نقطه شروع و یا پایان اشاره می‌کند (Comrie, 1976: 16-26) و طبقه‌های استمراری، تداومی<sup>۱</sup> و عادتی را شامل می‌شود (Nurse, 2008: 139). نموده‌های استمراری و تداومی به لحاظ تداوم به هم شباهت دارند، حال آنکه، نمود استمراری دوره زمانی کوتاه‌تری در مقایسه با تداومی دارد که به زمان ارجاع نزدیک است.

از آنجا که ستاک برگرفته فعلی در ساختمان ترکیب فعلی مشخصه‌های فعل/ گزاره را بر اساس اصل فرافکنی، به ترکیب فعلی فرافکنی می‌کند، بنابراین، لازم است ابتدا مشخصه‌های فعل روشن شوند. افعال سه مشخصه زمان دستوری، نوع کنش و نمود دارند. زمان دستوری بیان ارتباط زمانی از طریق صورت دستوری فعل است که دستوری شدگی<sup>۲</sup> نامیده می‌شود (Olsen, 1997). زمان دستوری از طریق صورت‌های واژگانی مانند دیروز/ فردا می‌تواند بیان شود، اما صورت فعل نیز نشانه‌هایی برای زمان دستوری دارد. به عبارت دیگر، فعل زمان را دستوری می‌سازد و به وقت معینی ارجاع می‌دهد. به همین سبب گفته می‌شود که زمان دستوری ویژگی اشاری<sup>۳</sup> دارد. نوع کنش در اصل از واژه آلمانی actionsart گرفته شده است که نشان دهنده نوع عمل یا حالت است (Rothstein, 2004: 1). این اصطلاح در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در مطالعات نمود، وارد شده است و ماهیت واقعی حالت یا کنش فعل را به صورت لحظه‌ای، دیرشی و کامل/ پایان یافته بیان می‌کند (Olsen, 1997). زمان حال، کنش تداومی را توصیف می‌کند. زمان کامل تداوم عمل کامل شده را بیان می‌کند و زمان گذشته بر فعالیت لحظه‌ای

---

1. persistive  
2. grammaticalization  
3. deictic

تأکید دارد که به‌عنوان یک کل ملاحظه می‌شود (Robertson, 1923: 823-24). در اینجا وی تلقی یکسانی از نوع کنش فعل و نمود دارد، حال آنکه آنها ویژگی‌های متفاوتی از فعل هستند؛ زیرا ماهیت و نقش نمود فعل متمایز از نوع کنش فعل است. نمود عبارت است از اینکه چگونه گویشور کنش، عمل یا حالتی را تصویرسازی می‌کند و یک مقوله معنایی صرف‌بنیاد است که انتخاب انتزاعی گویشور را از مفهوم سازی فرایندی دستوری نشان می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، نمود بازتابی از تمایز زمانی نوع کنش و تلاش گویشور برای دستوری ساختن مفهومی است که وی از فرایند دارد (Porter, 1990: 86). وی نمود را به طبقه‌های کامل<sup>۱</sup> (نمود صورت‌های گذشته)، ناقص<sup>۲</sup> (نمود صورت‌های حال) و ایستا (صورت‌های حال کامل و گذشته کامل) دسته‌بندی می‌کند. نمود کامل کنش را به‌صورت مجموعه و کل واحدی ملاحظه می‌کند. نمود ناقص کنش را به‌عنوان فرایند و نمود ایستا حالت موجود فعالیت را مشخص می‌کند. واضح است که نمود، کنش را به‌صورت عینی توصیف نمی‌کند، بلکه انتخاب (انتزاعی) گویشور برای تصویرسازی ذهنی آن کنش است، خواه به‌صورت کل، خواه به‌صورت فرایند یا حالت موجود باشد. بنابراین، رویداد ممکن است از بیش از یک زاویه‌دید یا منظر توصیف شود. رویدادی که در دوره زمانی طولانی رخ می‌دهد، با نمود کامل توصیف می‌شود، اگر گویشور بخواهد به کل رویداد اشاره کند. همچنین، رویدادی که در زمان بسیار کوتاهی رخداد آن به طول می‌انجامد، از طریق نمود ناقص بیان می‌شود. نمود دستوری براساس اینکه چگونه موقعیتی باتوجه‌به زمان رویداد و زمان ارجاع ملاحظه می‌شود، تبیین می‌گردد. اگر گویشور<sup>۳</sup> میان زمان رخداد را مورد توجه

- 
1. perfective
  2. imperfective
  3. nucleus

قرار دهد، از نمود ناقص استفاده می‌کند، درحالی‌که اگر گویشور به پایان<sup>۱</sup> زمان رویداد اعتنا داشته باشد، از نمود کامل استفاده می‌کند. زمان رویداد عبارتست از دوره‌ای که در طول آن رویداد رخ می‌دهد. هر فاصله زمانی از دو عنصر هسته یا میانه و انتها یا پایانه تشکیل می‌شود. هسته کنش، زمانی است که در طول آن رویداد بسط پیدا می‌کند یا وجود دارد و انتها، زمانی است که در آن رویداد پایان می‌پذیرد. زمان ارجاع<sup>۲</sup> اشاره به نقطه‌ای دارد که گویشور در آن قرار دارد. نمود ناقص ملاحظه کنش از منظر تقابل زمان رویداد با زمان ارجاع در طول رویداد است (Olson, 1997: 61- 65). زمان دستوری ارتباط بین زمان ارجاع و زمان گفتگو است که از طریق بافت کلام و عوامل کاربردشناختی مشخص می‌شود.

نمود واژگانی اشاره به این واقعیت دارد که چگونه فعل یا گزاره رخداد را توصیف می‌کند. به عبارت دیگر، نمود واژگانی ماهیت ذاتی یک رویداد را در ارتباط با زمان بیان می‌کند (Olson, 1997: 7-57). بسیاری از مطالعات تلاش داشته‌اند تا افعال، گزاره‌ها و یا جملات را براساس ساختار زمانی درونی رویدادهایی که توصیف می‌کنند، طبقه‌بندی نمایند (MacDonald, 2008:2). معروف‌ترین آن‌ها که دسته‌بندی وندلر (Vendler, 1967) است، افعال را به چهار گروه ایستا، کنشی، غایتمند و تحقیقی بر پایه مشخصه‌های نمودی پویایی، دیرش و غایی<sup>۳</sup> طبقه‌بندی می‌کند. افعال ایستا (نظیر «دانستن»، «باورد داشتن» و «داشتن») پویا نیستند و موقعیت‌های تداومی، یکنواخت و همگن‌اند<sup>۴</sup> (Comrie, 1976:37 & Dowty, 1979: 184). گزاره‌های همگن علاوه بر کل رویداد، به بخش‌های سازنده آن نیز

- 
1. coda
  2. reference
  3. telic
  4. homogeneous

اشاره می‌کنند (Fillip, 2012: 730). به عبارت دیگر، گزاره همگن، علاوه بر این که برای یک محدوده زمانی مشخصی به کار می‌رود، برای محدوده زمانی درون آن محدوده زمانی نیز استفاده می‌شود و هر بخشی از فرایند، ماهیتی مانند کل فرایند دارد (Borik, 2006: 48). همگنی و غیرهمگنی در مورد رخدادهای دیرشی صدق می‌کند (Declerck, 2007: 59). افعال کنشی، مانند «دویدن»، «راه رفتن» و «شناکردن»، رویدادهای پویایی هستند که تداوم دارند و نقطه پایان ذاتی<sup>۱</sup> ندارند (Smith, 1997: 23). افعال غایتمند (مانند «رسم کردن یک دایره»، «صد متر دویدن»، «خانه‌ای ساختن» و «نامه‌نوشتن») رخدادهای پویا و دیرشی هستند که نقطه پایان ذاتی دارند، حال آنکه افعال تحقیقی، مانند «تشخیص دادن»، «واردشدن» و «مردن»، رویدادهای پویا و نزدیک به لحظه‌ای هستند که نقطه پایان ذاتی دارند.

نمود واژگانی از تقابل میان مشخصه‌های پویایی، تداومی و غایی مشخص می‌شود و سازه‌های دیگر در جمله، در معنای این مشخصه‌ها تأثیر دارند. ترکیب مشخصه‌های خاص واژه و افزوده‌های موجود در بافت کلام یا بند، طبقه‌بندی خاص ایستا، کنشی، غایتمند، تحقیقی و تک‌رویدادی<sup>۲</sup> از نمود واژگانی ارائه می‌دهد (Olsen, 1997: 25-57). نمود معنای انباشتی<sup>۳</sup> دارد، یعنی برای مفهوم کامل<sup>۴</sup> نمود، کل بند و عناصر چندگانه تشکیل‌دهنده آن باید مورد ملاحظه قرار گیرد. به عبارت دیگر، معنای نمود از ترکیب تأثیر هر دو نوع نمود دستوری و واژگانی منتج می‌شود.

- 
1. inherent
  2. semelfactive
  3. compositional
  4. full

نمود تعامل میان حوزه‌های صرف و معنی‌شناسی واژگانی را به خوبی نشان می‌دهد و برای شناخت بیشتر این پارامتر زبانی و افزودن بر غنای مطالعات پیشین، این مقوله را که در التقای این دو حوزه زبانی قرار دارد، در ترکیب فعلی بررسی می‌کنیم. به عبارت دیگر، در این نوشتار ارتباط بین نمود و ترکیب فعلی را بررسی و ویژگی‌های مربوط به زمان رخدادهایی که ترکیب‌های فعلی نشان داده می‌شوند، مطالعه می‌کنیم. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد در مطالعات مربوط به نمود، مقوله نمود و انواع آن در ترکیب‌های فعلی در زبان فارسی مورد بررسی قرار نگرفته است؛ لذا ضرورت دارد تا نمود در ترکیب فعلی بررسی شود تا جنبه‌های مختلف و ویژگی‌های متفاوت این مقوله زبانی بیشتر شناخته شود. به این منظور، پیکره ترکیب‌های فعلی زبان فارسی معاصر استخراج شده از فرهنگ بزرگ سخن انوری (۱۳۸۶) که شامل ۸۵۷۹ ترکیب فعلی است (غنچه‌پور، ۱۳۹۲)، به لحاظ ساختاری، صرفی و معنایی بررسی شدند تا پاسخ پرسش‌های زیر روشن گردد.

۱- آیا دو نوع نمود دستوری و واژگانی که در فعل و گزاره جملات گزارش شده است، در ترکیب فعلی نیز مشاهده می‌شود؟ به عبارت دیگر، آیا ساختار درونی ترکیب‌های فعلی در زبان فارسی نشان دهنده گستره زمانی و وجه انجام کنش یا حالت هستند؟

۲- چه شواهدی مقوله نمود در ترکیب فعلی زبان فارسی را تبیین و تأیید می‌کنند؟

۳- با توجه به پیکره زبانی، چه طبقه‌های نمودی از ترکیب‌های فعلی در زبان فارسی وجود دارد؟



## ۲. نمود نحوی در ترکیب فعلی

نقطه اشتراک مطالعات مربوط به نمود نحوی / زاویه دید این است که هم پژوهش های انجام شده در زبان فارسی (چراغی و کریمی دوستان، ۱۳۹۲: ۴۳؛ ابوالحسنی چیمه، ۱۳۸۳: ۱) و هم تحقیقات مربوط به زبان های دیگر (Olson, 1997: 61-65; Dahl, 2010: 69-73; Comrie, 1976: 98-108; Nurse, 2008, ) (134-136; Borik, 2006: 60-70; Smith, 1997: 73-77; Dereck, 2007: 53-54) دو نوع نمود کامل و ناقص را متمایز کرده اند. ترکیب های فعلی زبان فارسی نیز این دو نوع نمود را نشان می دهند. به عنوان نمونه، «کادوپیچ» (پیچیده شده در کاغذ کادو) و «کهنه پیچ» (پیچیده شده در پارچه)، «لیچ افتاده» (ناسور و چرکی شده) و «مدرسه رفته» (درس خوانده و باسواد) دارای نمود کامل اند؛ به این مفهوم که رخداد را به عنوان کل تلقی می کنند، بدون اینکه به مراحل جداگانه ای که آن رویداد را شکل می دهند اشاره کنند، در صورتی که ترکیب های فعلی مانند «کشاله کنان» (در حال خزیدن)، «سجده کنان» (در حال به جا آوردن سجده)، «آدم ربایی» (عمل دزدیدن و مخفی کردن اشخاص برای اخاذی و یا رسیدن به مقاصد سیاسی و مانند آن)، «بیابان گردی» (گشتن در بیابان) و یا «پای کوبان» (در حال پای کوبیدن و رقص) نمود ناقص دارند و به ساختار درونی رخدادها اشاره می کنند. به عبارت دیگر، ترکیب فعلی با نمود نحوی کامل بر رویدادی تأکید دارد که کامل شده است، یعنی پایان رویداد را نشان می دهد. ترکیب های فعلی نظیر «چکش خورده» (ویژگی آنچه چکش خورده است) نشان می دهند که ساختار درونی این رویداد دارای مراحل و پیچیدگی هایی به لحاظ زمانی و مراحل انجام است، اما رویداد به عنوان کل واحد ملاحظه می شود؛ در حالی که ترکیب فعلی ناقص، به ساختار درونی رویداد به لحاظ زمانی و مراحل انجام آن ارجاع صریح

دارد. به عنوان نمونه، ترکیب فعلی «خواب‌گردی» (در خواب راه رفتن) و «خمیازه کشان» (در حال خمیازه کشیدن) مراحل رویداد را بیان می‌کنند و میانه رویداد قابل مشاهده است. بررسی نمونه‌های ترکیب فعلی مؤید آن است که نمود ناقص در ترکیب‌های فعلی زیربخش‌هایی نیز دارد. به عبارت دیگر، تمایزات نمودی بیشتر و متنوع‌تری در نمود ناقص وجود دارد. به عنوان نمونه، ترکیب فعلی «مظلوم چزانی» (عادت به آزار افراد مظلوم داشتن)، «ضعیف‌کش» (ویژگی آنکه عادت یا علاقه به آزدن و رنج دادن افراد ضعیف و ناتوان دارد)، «چپ‌کش» (آنکه عادت به کشیدن چپ دارد)، «خوکرده» (آنکه به کسی یا چیزی عادت کرده باشد)، «قالی‌فروش» (آنکه شغلش فروختن قالی است) و «کاخ‌نشین» (آنکه در کاخ زندگی می‌کند) نمود عادت را نشان می‌دهند. نمود عادت متمایز از نمود تکراری/تکریری<sup>۱</sup> است. در نمود تکراری، یک رخداد به صورت پیاپی در یک بازه زمانی محدود تکرار می‌شود، مانند ترکیب فعلی «سنگ‌باران / سنگ‌پاشان» (پرتاب پی‌درپی سنگ). نکته قابل توجه اینکه تکرار صرف یک رویداد نشان دهنده عادت یا ناقص بودن آن رویداد از نظر نمود نحوی نیست. اگر رویدادی در مراحل زمانی محدودی تکرار شود، همه آن مراحل به عنوان رویداد واحدی که دارای ساختار درونی است، تلقی می‌شود و نشان دهنده نمود کامل است، نظیر ترکیب فعلی «نامه‌پرانی» (نوشتن نامه‌های پی‌درپی به ادارات و اشخاص)؛ حال آنکه رویداد (ترکیب فعلی) می‌تواند عادت باشد، بدون اینکه تکرار شود. به عنوان نمونه، رویداد «آپارتمان‌نشینی» (سکونت در آپارتمان) و «آبادی‌نشینی» (آنکه مقیم آبادی است) و «متلک‌پران / متلک‌گو» (آنکه متلک گفتن و نکته‌گویی برای او عادت شده باشد)، نشان دهنده ساکن / مقیم بودن و گفتن متلک در دوره معینی است.

---

1. iterative

باتوجه به نمونه‌های ذکر شده، مشخصه ترکیب‌های فعلی دارای نمود عادت، این است که رویداد توصیف شده توسط آنها، در دوره زمانی یعنی دوره کاملی به طول می‌انجامد و اگر رویدادی قابلیت گسترش پذیری در بعد زمان (طولانی شدن) را نداشته باشد، تنها به عنوان نمود تکراری تعبیر می‌شود. به عنوان نمونه، کسی که عادت به متلک گفتن / پراندن دارد به این مفهوم نیست که دو و یا سه بار متلک گفته است بلکه در یک دوره (چندروزه، چند هفته‌ای، چند ماهه و چندساله) این فعالیت را انجام داده است. همچنین، نمود ناقص می‌تواند به صورت مستمر<sup>۱</sup> بیان شود، مانند «ماغ‌کشان» (در حال برآوردن صدای گاو)، «شلپ‌شلپ‌کنان» (در حال ایجاد کردن صدای شلپ) یا «صحبت‌کنان» (در حال صحبت کردن)، بدون اینکه عادت باشد و نیز عادت باشد، بدون اینکه به صورت مستمر بیان شود. به عبارت دیگر، ترکیب‌های فعلی «ضعیف‌کشی / ضعیف‌چزانی» (عادت به آزدن و رنج دادن افراد ضعیف)، «چپق‌کشی» (عادت به کشیدن چپق) و «خوکرده» (آنکه به کسی یا چیزی عادت کرده است)، عادت در رویدادهای آزدن، چپق کشیدن و خوکردن را نشان می‌دهند، بدون اینکه به لحاظ ساختار درونی استمرار داشته باشند. این نمونه‌ها تبیینی بر این یافته هستند که نمود مستمر در ترکیب‌های فعلی متمایز از نمود ناقص است. به این مفهوم که نمود ناقص نمود عادت را شامل می‌شود. علاوه بر این، رویداد می‌تواند عادت باشد، بدون اینکه مستمر باشد و یا برعکس. بنابراین، باتوجه به شواهد و نمونه‌های ترکیب‌های فعلی، نمود عادت و مستمر، متمایز از یکدیگر و هر دو نوعی نمود ناقص‌اند.

---

1. progressive

برخی ترکیب‌های فعلی در زبان فارسی، به لحاظ ساختاری از طریق دوگان‌سازی<sup>۱</sup> تشکیل شده‌اند. در نوع کامل دوگان‌سازی تمام واژه پایه تکرار می‌شود، در حالی که در نوع ناقص آن بخشی از پایه تکرار می‌شود (شقاقی، ۱۳۸۹: ۹۹). به عنوان نمونه، ترکیب‌های فعلی «ملچ‌ملچ‌کنان» (در حال ملچ‌ملچ کردن)، «موس‌موس‌کنان» (در حال تملق کردن)، «دل‌دل‌زنان» (در حال دل‌دل زدن)، «پرپرزنان» (در حال پرزدن و پرواز کردن)، «پچ‌پچ‌کنان» (در حال آه‌سته صحبت کردن)، «پت‌پت‌کنان» (در حال پت‌پت کردن)، «پیلی‌پیلی‌خوران» (در حال تلوتلو خوردن) و «خرخرکنان» (در حال ایجاد کردن صدای خرخر) دارای نمود ناقص (دیرشی، تکراری، مستمر و عادی) هستند. ترکیب فعلی که از طریق دوگان‌سازی کامل تشکیل شود، در پیکره ترکیب‌های فعلی زبان فارسی مشاهده نشد.

در تقابل با نمود ناقص، نمود کامل است که به لحاظ معنایی، رویداد به عنوان کل جداگانه بدون توجه به ساختار درونی یا مراحل سازنده آن، ملاحظه می‌شود؛ به این مفهوم که آغاز، میانه و یا پایان رویداد نادیده گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، در نمود کامل، آغاز و پایان رویداد ذکر نمی‌شود، مشخص نیست یا اینکه مهم نیست. نمود کامل در ترکیب‌های فعلی را می‌توان به انواع زیر طبقه‌بندی کرد.

۱- نمود کامل برآیندی: حالت کنونی رویداد، نتیجه رخداد گذشته است، مانند «کادوپیچ» (پیچیده‌شده در کاغذ کادو)، «کرم‌خورده» (ویژگی میوه و یا سبزی که دچار آفت شده است)، «آفتاب‌خورده» (ویژگی آنچه در برابر نور خورشید قرار گرفته است)، «آفتاب‌زده/سوخته» (تیره شده و تغییر رنگ داده به وسیله تابش نور

---

1. reduplication

خورشید)، «آب‌خورده» (چیزی یا جایی که آب بر اثر سایش آن را به‌وجود آورده باشد یا آنچه به آن آب زده‌اند) و «آب‌دیده/ آب‌رسیده» (خیس).

۲- نمود کامل تجربه‌ای: رویدادی که یک‌بار در گذشته انجام و یا تجربه شده است، مانند «آتش‌سوز» (سوخته از آتش یا آب جوش و مانند آنها)، «تجزیه‌شده» (مورد آزمایش و امتحان قرار گرفته)، «مارگزیده» (آنکه مار او را نیش زده باشد)، «پشم ریخته» (ویژگی آنچه قسمتی یا تمام پشم آن ریخته باشد)، «تیرخورده» (آن که تیر به او اصابت کرده است) و «جافتاده» (به سن کمال و میان سالی رسیده).

۳- نمود کامل تداومی: رویدادی که در گذشته شروع شده است، اما در زمان حال نیز ادامه دارد، نظیر ترکیب‌های فعلی «چلاق‌شده» (آنکه دست یا پایش دچار نقص، ناتوانی یا آسیب شده و از کار افتاده باشد) و «خانه‌مانده» (ویژگی دختری که سنش بالا رفته و هنوز ازدواج نکرده است).

۴- نمود کامل غیرتداومی: در این نوع نمود، رویداد در گذشته رخ داده و خاتمه یافته است. این نوع نمود شامل دو طبقه تأثیری و تقریبی است.

الف- نمود کامل غیرتداومی تأثیری: رویدادی که در گذشته رخ داده است، اما اثر آن مشاهده می‌شود. رویدادهای «کادوپیچ» (پیچیده‌شده با کاغذ کادو)، «کهنه پیچ» (پیچیده‌شده در پارچه)، «لب‌شکسته» (دارای لبه شکسته)، «لگدمال» (آنچه زیر پا مانده و له شده است)، «لیچ‌افتاده» (ناسور و چرکی شده)، «نمک خوار» (آنکه نان و نمک دیگری را خورده است و در رهین منت او است) و «سرخ کرده» (تفت داده یا برشته‌شده در روغن)، نمونه‌هایی از این نوع ترکیبات را نشان می‌دهند.

ب- نمود کامل غیر تداومی تقریبی: در این نوع نمود، ترکیب فعلی رویدادی را بیان می‌کند که ارتباط موقعیت کنونی آن با گذشته به لحاظ زمانی است. به عبارت دیگر، رویداد در گذشته نزدیک صورت گرفته است. ترکیب‌های فعلی «اتوکشیده» (ویژگی آنچه چین و چروک آن با کشیدن اتو برطرف شده است)، «آب کشیده» (شسته شده)، «تازه دم کرده» (ویژگی چای یا قهوه‌ای که آن را تازه دم کرده باشند)، «تازه رسیده» (ویژگی آنچه یا آنکه به تازگی به جایی وارد شده است)، «تازه درآمده» (آنچه به تازگی معمول شده و رواج یافته است)، «تازه ساز» (ویژگی ساختمانی که به تازگی ساخته شده است)، «صابون خورده» (پاک شده با صابون) و «باران خورده/باران رسیده/باران دیده» (در زیر باران مانده و خیس شده) نمونه‌هایی از این نوع نمود را نشان می‌دهند.

به‌طور خلاصه، نمود نحوی در ترکیب‌های فعلی دو طبقه کامل و ناقص را دربر می‌گیرد. در نمود کامل، رویداد به‌عنوان یک کل منفرد ملاحظه می‌شود و آغاز، میانه و یا پایان رویداد نادیده گرفته می‌شود، درحالی‌که نمود ناقص در ترکیب‌های فعلی، ارجاع صریح به ساختار درونی رویداد، به لحاظ زمانی و مراحل انجام آن دارد. ترکیب‌های فعلی دارای نمود ناقص به انواع عادتی، تکراری و مستمر طبقه بندی می‌شوند. نمود تکراری و عادتی از این جهت که رویداد تکرار می‌شود، شبیه به یکدیگر هستند. در ترکیب‌های فعلی دارای نمود عادتی، رویداد توصیف شده در یک دوره زمانی بلندمدت به صورت پیاپی رخ می‌دهد و قابلیت گسترش در بعد زمان (طول کشیدن) را دارد، حال آنکه در ترکیب‌های فعلی تکراری، یک رخداد به صورت پی‌درپی در یک دوره بسیار محدود نمود می‌یابد و قابلیت گسترش در بعد زمان را ندارد. در ترکیب‌های فعلی دارای نمود مستمر، مراحل و میانه رویداد قابل مشاهده است. ترکیب‌های فعلی دارای نمود کامل به انواع برآیندی، تجربه‌ای،

تداومی و غیرتداومی طبقه‌بندی می‌شوند. در ترکیب‌های فعلی برآیندی، حالت کنونی رویداد، نتیجه رخداد گذشته است، حال آنکه در ترکیب‌های فعلی تجربه‌ای، رویداد یک‌بار در گذشته انجام و یا تجربه شده است. در ترکیب‌های فعلی دارای نمود کامل تداومی، رویداد در گذشته شروع شده است و در زمان حال نیز ادامه دارد، در حالی که در نوع غیرتداومی، رویداد در گذشته رخ داده و خاتمه یافته است. ترکیب‌های فعلی دارای نمود کامل غیرتداومی دو طبقه تأثیری و تقریبی را در برمی‌گیرند. در ترکیب‌های فعلی کامل غیرتداومی تأثیری، اثر رویداد قابل مشاهده است، حال آنکه در ترکیب‌های فعلی تقریبی، رویداد ارتباط زمانی با زمان انجام آن دارد. انواع نمود نحوی در ترکیب‌های فعلی، مشخصه‌ها و نمونه‌هایی از آنها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول (۱): انواع نمود نحوی در ترکیب‌های فعلی زبان فارسی

نمونه	مشخصه	طبقه نمودی		
«مظلوم‌چزانی»	تکرار رویداد در گستره زمانی بلند مدت	عادتی	ناقص	
«سنگ‌باران»	تکرار رویداد در گستره زمانی محدود و کوتاه مدت	تکراری		
«صحبت‌کنان»	ارجاع به ساختار درونی و مراحل رویداد	مستمر		
«آفتاب‌سوخته»	حالت کنونی رویداد و عمل، نتیجه رخداد گذشته	برآیندی	کامل	
«مارگزیده»	تجربه‌شدن رویداد	تجربه‌ای		
«چلاق‌شده»	ادامه داشتن رویداد شروع شده در گذشته در زمان حال	تداومی		
«لب‌شکسته»	قابل مشاهده بودن اثر رویداد	تأثیری		غیرتداومی
«تازه‌دم‌کرده»	ارتباط زمانی رویداد با زمان انجام آن	تقریبی		

### ۳. نمود واژگانی در ترکیب فعلی

یکی از پرسش‌هایی که در مقدمه این پژوهش مطرح شد و این نوشتار درصدد یافتن پاسخی برای آن است، این است که آیا دو نوع نمود مطرح شده در مطالعات مربوط به نمود (دستوری/ نحوی و واژگانی)، در ترکیب‌های فعلی زبان فارسی نیز مشاهده می‌شوند؟ محققانی نظیر کامری (Comrie, 1989: 44) ادعا می‌کنند که نمود واژگانی رویدادها، به صورت غایی و غیرغایی<sup>۱</sup> بروز می‌یابد، حال آنکه وندلر<sup>۲</sup> (Vendler, 1967: 98-110)، دیکلرک (Declerck, 2007: 54)، آلسن (Olsen, 1997: 61-65) و کیرنز (Kearns, 2011: 158) نمود واژگانی افعال و رویدادها را باتوجه به سه ویژگی زمانی [± پویایی]، [± غایی] و [± لحظه‌ای] مطالعه کرده‌اند. به عنوان نمونه، فعل «غرق شدن» غایی است زیرا پایان غرق شدن، مردن است و «آواز خواندن» غیرغایی است، اما غایی و یا غیرغایی بودن رویدادها تنها با افعال توصیف نمی‌شوند، بلکه موضوع نقش مهمی در غایی یا غیرغایی بودن رویداد دارد. به عنوان نمونه، در جمله «خواننده دارد آواز می‌خواند»، رویداد «آواز خواندن» ناتمام و غیرغایی است، حال آنکه در جمله «خواننده آوازی خواند» رویداد غایی و دارای پایان است. بنابراین، ضرورت دارد تا داده‌های ترکیب فعلی زبان فارسی بررسی شوند تا روشن شود که آیا ترکیب‌های فعلی زبان فارسی نیز دارای مشخصه‌های غایی و غیرغایی‌اند یا خیر.

رخدادهای «دانستن» و «دویدن»، به ترتیب رویدادهای ایستا و پویا را توصیف می‌کنند و تفاوت این دو رویداد به مراحل متفاوت آن‌ها برمی‌گردد. رویداد «دانستن» یکنواخت و همه مراحل آن یکسان است، اما در رویداد پویایی مانند

1. atelic  
2. Vendler



«دویدن»، مراحل متفاوت رویداد در زمان‌های متفاوت، تفاوت دارد. به‌عنوان نمونه، در جمله «جان دارد می‌دود»، جان در یک لحظه یک قدم برمی‌دارد و بر روی زمین می‌گذارد و در لحظه دیگر قدم دیگری را برمی‌دارد و رویداد به همین منوال ادامه پیدا می‌کند (Comrie, 1989: 44). در این نوشتار ترکیب‌های فعلی زبان فارسی از نظر مشخصه‌های ایستایی و پویایی نیز، به محک آزمون گذاشته می‌شوند تا مشخص شود که آیا این مقوله زایای زبانی نیز (غنچه‌پور، ۱۳۹۲: ۳۳۵) از این مشخصه نمودی برخوردار است یا خیر.

مشخصه دیگری که در طبقه‌بندی رویدادها به لحاظ نمودی استفاده شده است، ویژگی تداومی در برابر لحظه‌ای است. افعال تداومی رویدادهایی را توصیف می‌کنند که انجام آنها در یک دوره زمانی طول می‌کشد و زمان بر هستند، حال آنکه افعال لحظه‌ای زمان بر نیستند و انجام آنها در یک بازه زمانی بسیار کوتاه رخ می‌دهد. این مشخصه نمودی را نیز در ترکیب‌های فعلی بررسی می‌کنیم تا مشخص شود که آیا ترکیب‌های فعلی نیز این ویژگی را دارند یا خیر.

در این بخش، علاوه بر مشخصه‌هایی مانند [± پویایی]، [± غایی] و [± تداومی] که رویکردهای سنتی نظیر وندلر (Vendler, 1967: 98-110) از آنها در طبقه‌بندی افعال و رویدادها استفاده کرده‌اند، ترکیب‌های فعلی با توجه به مشخصه [± سنجه<sup>۱</sup>] نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند. به‌عبارت‌دیگر، داده‌های ترکیب‌فعلی بررسی می‌شوند تا روشن گردد که آیا آنها نشان‌دهنده مقدار (سنجه) نیز هستند یا خیر. سنجه «مجموعه‌ای از مقادیر — نقاط یا درجات اندازه‌گیری است که درجه/مقدار اندازه‌گیری را در مشخصه خاصی (مثلاً ارتفاع، درجه حرارت

---

1. scale

و قیمت) با ارتباط منظم نشان می‌دهد» (Rappaport Hovav & Levin, 2010: 28). به‌عنوان نمونه، رویداد «سرد شدن» تغییر درجه‌حرارت را می‌سنجد یا اینکه رویداد «سنگین‌شدن» تغییر وزن را در یک بعد خاص اندازه می‌گیرد.

وندلر (1967: 105-115) و دیگران (Kearns, 2011; Olsen, 1994; Smith, 1997; Verkuyl, 1989: 40-50) در طبقه‌بندی نمود واژگانی، افعال و رویدادها را به چهار طبقه ایستا، کنشی، غایتمند و تحقیقی برپایه مشخصه‌های معنایی  $\pm$  پویایی،  $\pm$  غایی و  $\pm$  تداومی طبقه‌بندی کرده‌اند. کامری و اسمیت (Comrie, 1976: 41 & Smith, 1997: 29) نیز مشخصه تک‌رویدادی را با توجه به این ویژگی‌ها معرفی می‌کنند. در زبان فارسی مطالعات بسیار زیادی در مورد نمود انجام شده است (برزگر و کریمی، ۱۳۹۶؛ چراغی و کریمی‌دوستان، ۱۳۹۱؛ دبیر مقدم، ۱۳۸۴؛ دستلان و همکاران، ۱۳۹۵؛ نغزگوی‌کهن، ۱۳۸۹؛ اکاتی و سنچولی، ۱۳۹۷؛ رحیمیان، ۱۳۸۶ الف؛ رضایی، ۱۳۹۱)، اما تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، در مورد نمود واژگانی در ترکیب فعلی پژوهشی صورت نگرفته است. بنابراین، ضرورت دارد تا نمود واژگانی در ترکیب فعلی بررسی شود تا مشخص شود که ترکیب فعلی در زبان فارسی کدام مؤلفه‌های نمودی و نمودهای واژگانی را نشان می‌دهند.

### ۱-۳. تداومی / لحظه‌ای

طبقه‌ای از ترکیب‌های فعلی توصیف‌گر رویدادهایی هستند که به‌طور طبیعی برای مدت معینی به طول می‌انجامند. بین نمود ناقص و مشخصه تداوم باید تمایز قائل شد. نمود ناقص به مفهوم ملاحظه ساختار درونی رویداد (مراحل تشکیل دهنده) و نوعی نمود دستوری است، حال آنکه تداوم به این واقعیت اشاره دارد که رویداد

برای مدت معینی طول می‌کشد و در نمود واژگانی بحث می‌شود. ترکیب‌های فعلی «ماغ‌کشان» (در حال برآوردن صدای گاو)، «معلق‌زنان» (در حال معلق زدن) و «سنگ‌زنان» (مراسمی که در آن دوقطعه سنگ را به‌عنوان سوگواری در روزهای تاسوعا و عاشورا به‌هم می‌کوبند)، نمونه‌هایی از نمود تداومی‌اند. در نقطهٔ مقابل این‌گونه ترکیب‌ها، ترکیب‌های دارای نمود لحظه‌ای قرار دارند. این‌گونه ترکیب‌ها، تو صیف‌گر رویدادهایی هستند که به صورت لحظه‌ای رخ می‌دهند. به‌عبارت‌دیگر، رویداد لحظه‌ای تداوم ندارد و رویدادی که تداوم نداشته باشد، فاقد ساختار درونی است. بنابراین، ترکیب‌های فعلی دارای نمود لحظه‌ای در تقابل با نمود ناقص‌اند. نمونهٔ «لگدانداز/لگدپران» (ویژگی آنکه یا آنچه لگد می‌اندازد) نمود لحظه‌ای را نشان می‌دهد و به رویدادی اشاره می‌کند که یک‌لگد پرانده می‌شود و نشان‌دهنده نمود تک‌رویدادی است. در صورتی که اگر این رویداد بیش از یک‌بار تکرار شود، نمود تداومی می‌گردد، مانند ترکیب‌فعلی «دوباره‌دوز» (ویژگی آنچه دوبار دوخته می‌شود) و «دوباره‌پز» (ویژگی آنچه دو بار پخته می‌شود).

### ۲-۳. غایی / غیرغایی

ترکیب‌های فعلی دارای نمود غایی و غیرغایی رویدادهایی را توصیف می‌کنند که ممکن است برای مدت کوتاه یا طولانی طول انجامند، اما ساختار درونی آنها از هم متفاوت است. رویداد غایی دارای نقطهٔ پایان طبیعی ذاتی است، حال آنکه رویداد غیرغایی نقطهٔ پایان طبیعی ذاتی ندارد. به‌عنوان نمونه، در ترکیب‌فعلی «تازه‌ساز» (ساختمانی که به تازگی ساخته شده است)، نقطه‌ای از زمان وجود دارد که در آن عمل ساختن ساختمان کامل شده و ساختمان آماده است. به‌عبارت‌دیگر، ساختمان «تازه‌ساز» ساختمانی است که عمل ساختن آن پایان یافته است یا

دیگر ادامه پیدا نمی‌کند و تا زمانی که به این نقطه نرسد، نمی‌توانیم بگوییم «تازه ساز»، حال آنکه در ترکیب فعلی «طناب کشی» در هر نقطه‌ای که کشیدن طناب متوقف شود، عمل پایان می‌یابد. اگر به‌عنوان مثال، بگوییم که «کامبیز طناب را کشیده است»، گفته‌ما درست است حتی اگر عمل کشیدن طناب کامل نشده باشد. بنابراین، رویدادی که توسط ترکیب فعلی «تازه ساز» توصیف می‌شود، نقطه پایان دارد؛ یعنی نقطه‌ای که در آن ساختمان کامل شده است و دیگر ادامه نمی‌یابد. حال آنکه ترکیب فعلی «طناب کشی» چنین نقطه پایانی ندارد و می‌تواند ادامه پیدا کند و یا در هر نقطه‌ای متوقف شود که اگر چنین شود، هنوز هم می‌توانیم ادعا کنیم که «طناب کشیده شده است». ترکیب‌های فعلی نظیر «تازه ساز»، «کفن کرده»، «پاک‌باخته»، «ترک‌خورده»، «تیرخورده»، «چله‌نشینی» و «چله‌بران» نمونه‌هایی از ترکیب‌های فعلی غایی‌اند. ترکیب‌های فعلی «طناب کشی»، «سرخ کرده»، «پشم‌ریخته»، «تاب‌خورده» و «خواب‌گردی» نمونه‌هایی از ترکیب‌های فعلی غیرغایی‌اند.

ترکیب‌های فعلی غیرغایی ترکیب‌های فعلی کنشی هستند؛ یعنی ویژگی پویایی و تداوم دارند. به‌عبارت‌دیگر، از ترکیب فعلی «خواب‌گردی» و جمله متناظر آن (او دارد در خواب می‌گردد)، می‌توانیم استنباط کنیم که «او در خواب راه رفته است». حال آنکه از ترکیب فعلی «پاک‌باخته» و جمله متناظر آن (او دارد همه‌چیز خود را از دست می‌دهد)، تعبیر «او همه‌چیز خود را از دست داده است» استنباط نمی‌شود. همچنین، اگر طناب تاب‌داشته باشد و به هم پیچیده باشد (تاب‌خورده)، می‌توانیم بگوییم که «طناب تاب‌خورده است». هرچند که این پیچیدن کامل نباشد، اما در ترکیب فعلی «چله‌نشینی» (طی ۴۰ روز به عبادت و ریاضت پرداختن)، اگر ۳۹ روز به چله‌نشسته باشند، نمی‌توانیم بگوییم که

به‌عنوان نمونه، فلانی چله نشینی کرده است؛ بنابراین، این ترکیب غایی است. در ترکیب‌های فعلی غایی، رویداد به صورت فرایند رخ می‌دهد و به نقطه پایان منتهی می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، ترکیب‌های فعلی غایی نقطه پایان دارند. ترکیب‌های فعلی غایی همان افعال غایتمندِ وندلر (1967: 102) هستند.

### ۳-۳. ایستایی / پویایی

تفاوت افعال و رویدادهای ایستا و پویا به مراحل متفاوت آنها ارتباط دارد. به‌عنوان نمونه، در فعل «دانستن» همه مراحل یکنواخت است و در هر نقطه‌ای از زمان رویداد یکسان است، اما در نمونه «دویدن» مراحل متفاوت است. به‌عبارت‌دیگر، در «دانستن» تغییر نیست، حال آنکه در «دویدن» ضرورتاً تغییر وجود دارد. مشخصه تغییر، رویدادهای ایستا را از پویا متمایز می‌کند. نمونه‌های «همیشه‌دان» (آن که دانایی او زوال نمی‌پذیرد)، «عکس‌دار» (دارای نقش، طرح یا تصویر) و «آج‌دار» (دارای برجستگی) رویدادهای ایستا و ترکیب‌های فعلی «بازی‌گردانی» (عمل هدایت و اداره کردن بازی)، «بیابان‌گردی» (گشتن در بیابان)، «تشکرکنان» (درحال تشکر کردن) و «خرس‌گردانی» (عمل واداشتن خرس به انجام کارهای گوناگون و حرکات نمایشی)، رویدادهای پویا را توصیف می‌کنند. همان‌گونه که نمونه‌های بالا نشان می‌دهند، ترکیب‌های فعلی ایستا رویدادهای در جریان و یکنواخت هستند.

### ۴-۳. سنج‌های / غیرسنج‌های

افعال و رویدادهایی مانند «خنک‌شدن»، «عریض‌شدن»، «خشک‌شدن»، «تاریک‌شدن» و «بلندترشدن» مشخصه دوگانه<sup>۱</sup> [±غایی] دارند و با نظام نمودی

1. dual

و ندلر (1967) مطابقت ندارند (Dowty, 1979: 88-90; Hay, Kennedy & Levin, 1999: 127). به عبارت دیگر، افعالی نظیر «سرد شدن» غیرغایی اند، اما می توانند با توجه به بافت، مشخصه غایی نیز داشته باشند، مانند «آب ده درجه سرد شد». برای تبیین ویژگی رفتاری این گونه افعال، هی و همکاران<sup>۱</sup> (1999: 13-135)، مفهوم سنجه<sup>۲</sup> را معرفی نمودند و آنها را افعال تحقق سنجه ای<sup>۳</sup> نامیدند. سنجه عبارت است از مجموعه ای از درجات یا مقادیر که با ترتیب خاصی روی یک محور قرار گرفته اند و مشخصه ای را در یک ویژگی خاص، به عنوان نمونه ارتفاع، درجه حرارت یا قیمت، می سنجند (Rappaport Hovav and Levin, 2010: 28). به عنوان نمونه، ترکیب فعلی «سرد سازی» (عمل گرما گرفتن از سیالی مانند هوا، آب و الکل) تغییری را توصیف می کند که در ارتباط با سنجش درجه حرارت است و سنجه از طریق درجات مقیاسی کاهشی شکل می گیرد و یا در ترکیب فعلی «سردو گرم چشیده» (به مجاز دارای تجربه های بسیار) که تجارب خوب (شادی) و بد (مصائب) را از طریق مقیاس های تغییرات افزایشی و کاهشی کدگذاری می کند. بررسی داده های ترکیب های فعلی نشان می دهد که ترکیب های فعلی سنجه ای/درجه ای برگرفته از افعالی نظیر «سرد شدن» و «خشک شدن» مشخصه های نمودی یکسانی ندارند. به عنوان نمونه، «سرد شدن»، «کاهش یافتن»، «بلند شدن» و «بهبود یافتن» غیرغایی اند، حال آنکه نمونه های «خشک شدن»، «پاک شدن» و «صاف شدن» غایی اند. بنابراین، با توجه به مشخصه سنجه، افعال تحققی به دو گروه متمایز می شوند: افعال تحققی که

- 
1. Hay et al.
  2. scale
  3. scale achievement

غایی‌اند و تحقیقی واقعی<sup>۱</sup> / غیردرجه‌ای نامیده می‌شوند و افعال تحقیقی، نظیر «خنک‌شدن»، «بلندشدن»، «کوتاه‌شدن» و «عریض‌شدن» که غیرغایی‌اند و تحقیقی درجه‌ای نامیده می‌شوند. استفاده از مشخصه [±سنجه‌ای] دو نوع ترکیب را از هم متمایز می‌کند: ترکیب‌هایی مانند «سردسازی» که [+سنجه‌ای]‌اند و ترکیب‌هایی نظیر «آپارتمان‌نشینی» و «بیابان‌گردی» که [-سنجه‌ای] هستند.

به‌طور خلاصه، مؤلفه‌های [±پویایی]، [±غایی]، [±تداومی] و [±سنجه‌ای]، مشخصه‌هایی هستند که براساس آنها نمود واژگانی در ترکیب‌های فعلی زبان فارسی مشخص می‌شود. مؤلفه‌های نمود واژگانی، مشخصات و نمونه‌هایی از ترکیب‌های فعلی دارای مؤلفه‌های مزبور برای روشن‌تر شدن بحث نمود واژگانی در ترکیب‌فعلی، در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول (۲): مؤلفه‌های نمود واژگانی در ترکیب‌فعلی

نمونه ترکیب‌فعلی	مشخصات	مؤلفه نمودی	
«خرس‌گردانی»	متفاوت و متغیر بودن مراحل رخداد	پویا	[±پویایی]
«همیشه‌دان»	یکنواخت و همگن بودن مراحل رویداد	ایستا	
«تازه‌ساز»	دارای نقطه پایان طبیعی و ذاتی	غایی	[±غایی]
«طناب‌کشی»	فاقد نقطه پایان طبیعی و ذاتی	غیرغایی	
«معلق‌زنان»	زمان‌بر بودن انجام رویداد؛ دارای ساختار درونی	تداومی	[±تداومی]
«لگدانداز»	رخداد لحظه‌ای؛ فاقد ساختار درونی	لحظه‌ای	
«یخ‌زده»	نشان‌دادن تغییر در یک بعد و جهت معین	سنجه‌ای	[±سنجه‌ای]
«بال‌زنان»	فاقد مشخصه تغییر در یک بعد و جهت خاص	غیرسنجه‌ای	

1. true achievement

## ۴-۱. ترکیب‌های فعلی ایستا

مشخصه [±پویایی] اساسی‌ترین تمایز در ترکیب‌های فعلی را نشان داده و براساس آن، ترکیب‌های فعلی به طبقه‌های ایستا و غیرایستا دسته‌بندی می‌شوند. ترکیب‌های فعلی غیرایستا مشخصه تغییرپذیری دارند، مانند نمونه‌های «طناب کشی»، «کِرِکِرِکنان»، «کف‌زنان»، «میکروب‌زدایی» (پاک کردن و زدودن چیزی از میکروب)، «بیابان‌پیمایی» (سفرکردن در بیابان)، «دررفته» (پاره‌شده و ازهم‌گسیخته) و «لب شکسته» (دارای لبه شکسته). حال آنکه، ترکیب‌هایی مانند «همیشه‌دان» (آنکه دانایی او زوال نمی‌پذیرد)، «له‌جه‌دار» (دارای له‌جه)، «موسیقی‌دان» (آگاه به اصول و قواعد موسیقی)، «دندان‌دار» (دارای دندان)، «زبان‌دان» (آنکه یک یا چند زبان خارجی می‌داند) و «آبرودار» (دارنده آبرو)، برخلاف ترکیب‌های غیرایستا، تغییر را نمی‌پذیرند؛ زیرا آنها تداومی هستند و نقطه پایانی نیز ندارند. ترکیب‌های فعلی ایستا ترکیب‌هایی هستند که یکنواختی و عدم تغییر را در یک دوره زمانی نشان می‌دهند. از نظر مشخصه سنج، از آنجایی که یکنواخت هستند و تغییرات درجه‌ای و مقیاسی را نشان نمی‌دهند، پس غیرسنج‌ای هستند. به لحاظ تداوم و زمان‌بر بودن، این نوع ترکیب‌های فعلی غیرلحظه‌ای و به لحاظ اینکه پایان آنها مشخص نیست، غیرغایی‌اند.

«عکس‌دار» (دارای عکس یا تصویر)، «قانون‌دان» (آگاه بر قوانین)، «فاجعه‌آسا(ی)» (شبهه فاجعه به لحاظ سختی، شدت و اندوه‌باری)، «فاصله‌دار» (دارای فاصله)، «فامیل‌دار» (دارای خانواده و خویشاوندانی معمولاً پرجمعیت و سرشناس)، «کنارافتاده» (واقع شده در خارج از مسیر اصلی)، «نفس‌دار» (توانا در نگه داشتن نفس)، «دندان‌دار» (دارای دندان)، «زبان‌دان» (آنکه یک یا چند زبان خارجی می‌داند)، «آبرودار» (دارنده آبرو)، «آج‌دار» (دارای آج)، «آبادی‌نشین»



(آنکه مقیم آبادی است)، «آپارتمان‌نشینی» (سکونت در آپارتمان)، «تاب‌دار» (دارای پیچش و خمیدگی)، «چین‌دار» (دارای چین)، «خوکرده» (آنکه به کسی یا چیزی عادت کرده باشد) و «پی‌رنگ‌دار» (دارای طرح منطقی)، نمونه‌هایی از ترکیب‌های فعلی ایستا هستند. این نمونه‌ها مؤید آن‌اند که این طبقه از ترکیب‌های فعلی مشخصه‌های نمودی [پویایی، + تداومی، - غایی و - سنجه‌ای] دارند.

#### ۲-۴. ترکیب‌های فعلی غیرایستا

ترکیب‌های فعلی غیرایستا بر اساس مشخصه‌های نمودی [پویایی]، [سنجه‌ای]، [غایی] و [لحظه‌ای]، دو طبقه سنجه‌ای و غیرسنجه‌ای را در بر می‌گیرند.

#### ۱-۲-۴. ترکیب‌های فعلی غیرسنجه‌ای

ترکیب‌های فعلی غیرسنجه‌ای بر اساس مشخصه‌های نمودی [پویایی]، [سنجه‌ای]، [غایی] و [لحظه‌ای] به طبقه‌های نمودی کنشی و تک‌رویدادی تقسیم می‌شوند.

#### ۱-۱-۲-۴. ترکیب‌های فعلی کنشی

از میان ترکیب‌های فعلی پویا، ترکیب‌های فعلی کنشی و تک‌رویدادی به‌عنوان این که غیرسنجه‌ای هستند، متمایز از دیگر ترکیب‌های فعلی‌اند. از میان ترکیب‌های فعلی غیرسنجه‌ای که تغییر را نشان می‌دهند، ترکیب‌های فعلی

کنشی متمایز از ترکیب فعلی تکروردادی هستند؛ به سبب این که کنشی‌ها تداومی هستند، در صورتی که تکروردادی‌ها لحظه‌ای هستند.

ترکیب‌های فعلی کنشی رویدادهایی را توصیف می‌کنند که زمان بر هستند، اما به لحاظ زمانی نقطه پایان ذاتی ندارند. به عبارت دیگر، ترکیب‌های فعلی کنشی رویدادهای پویایی هستند که تداوم دارند، مانند «طناب‌کشی» (کشیدن طناب به سمت خود)، «قانون خواه» (خواهان و طرف‌دار اجرای قانون)، «قوم‌شناسی» (دانش شناخت اقوام از لحاظ ساختار اجتماعی، زبان و فرهنگ). نمونه‌های فوق نشان می‌دهند که ترکیب‌های فعلی کنشی دارای مشخصه‌های نمودی [+پویایی، +تداومی، - غایی و - سنجه‌ای] هستند.

#### ۲-۱-۲-۴. ترکیب‌های فعلی تکروردادی

این ترکیب‌ها به رویدادی جداگانه اشاره می‌کنند که فقط یک‌بار رخ می‌دهد، مانند ترکیب فعلی «لگدانداز/ لگدپران» (ویژگی آنکه یا آنچه لگد می‌اندازد) و ترکیب فعلی «تک‌پران» (آنکه میان صحبت، گاهی مطلبی را به طنز یا طعنه بیان می‌کند). این نوع ترکیب‌های فعلی پویا و لحظه‌ای هستند، پایان مشخصی ندارند و درجه / مقدار یا مقیاسی را بیان نمی‌کنند. در مواردی که رخ داده‌های تکروردادی تکرار شوند، خوانش منفردی دارند که تغییری در آنها ایجاد نمی‌شود، مانند نمونه‌های «کف‌زنان» (در حال دست زدن)، «گل‌باران» (ریختن گل فراوان بر سر کسی یا جایی معمولاً به قصد تمجید و بزرگداشت او (آن))، «ماچ‌مالی» (بوسه زدن بسیار بر کسی یا چیزی)، «نامه پرانی» (نوشتن نامه‌های پی‌درپی به دیگران یا اشخاص)، «دوباره‌پز» (آنچه دوبار پخته شود)، «دوباره‌دوز» (آنچه دوبار دوخته شود)، «سنگ‌باران/ سنگ‌پاشان» (پرتاب پی‌درپی سنگ)، «آتش‌باران» (باریدن آتش)، «بال‌زنان» (در حال به هم زدن بال‌ها در

هوا) «چرخ‌زنان» (در حال چرخیدن)، «چشمک‌زنان / چشمک‌پران» (در حال چشمک زدن)، «پاروزنان» (در حال پارو زدن)، «پت‌پت‌کنان» (در حال پت‌پت کردن) و «خُرْخُر کنان» (در حال ایجاد کردن صدای خُرْخُر). نمونه‌های فوق مؤید آن است که مشخصه‌های نمودی این طبقه نمودی از ترکیب‌های فعلی، [+پویایی، -تداومی، -غایی و -سنجه‌ای] است.

#### ۲-۲-۴. ترکیب‌های فعلی سنجه‌ای

ترکیب‌های فعلی پویای سنجه‌ای، دو طبقه نمودی باز و بسته را دربرمی‌گیرند.

#### ۱-۲-۲-۴. ترکیب‌های فعلی سنجه‌ای بسته

##### ۱-۱-۲-۲-۴. ترکیب‌های فعلی سنجه‌ای بسته چندنقطه‌ای (غایتمند)

ترکیب‌های فعلی مانند «نم‌کشیده» (مرطوب)، «میکروب‌زدایی» (پاک کردن و زدودن چیزی از میکروب)، «نیم‌برشته» (ویژگی آنچه کاملاً برشته نشده باشد)، «نیم‌بسته» (ویژگی آنچه کاملاً بسته نباشد)، «نیم‌بند» (حالت مایعی که به خوبی سفت نشده باشد)، «نیم‌جوییده» (ویژگی آنچه کاملاً جوییده نشده است)، «نیم‌خورده» (ویژگی غذایی که نصف آن خورده شده باشد)، «نیم‌خیز» (آنکه یا آنچه به صورت کامل بلند نشده و راست نایستاده است)، «نیم‌سوز» (هیزم یا چوبی که قسمتی از آن در اجاق سوخته و تبدیل به زغال شده است)، «نیم‌کوب» (آنچه کاملاً کوبیده نشده باشد)، «اتوکشیده/ اتوخورده» (آنچه چین و چروک آن با کشیدن اتو برطرف شده باشد)، «پاک‌باخته» (آنکه همه‌چیز خود را از دست داده باشد)، «چای‌خشک‌کنی» (خشک کردن برگ‌های چای)، «خواب‌زدگی» (حالتی

بین خواب و بیداری)، «صاف کرده» (آنچه از صافی عبور داده شده تا مواد زائد آن جدا شود)، «خشک شویی» (شستن و تمیز کردن لباس، پارچه، چرم و مانند آنها با مواد شیمیایی و با آب کم یا بدون آب در ماشین‌های مخصوص) و «خشکه پزی» (عمل و شغل خشکه پز)، نمونه‌های سنج‌های بسته چندمقداری هستند؛ زیرا مدتی به طول می‌انجامد تا تغییر بر موضوع<sup>۱</sup> ترکیب عمل کرده و به نقطه پایان برسد. به عبارت دیگر، تغییر به صورت فرایندی و مرحله به مرحله رخ می‌دهد و از اولین مرحله تا آخرین، مراحل میانی وجود دارد که تغییر با گذار از این مراحل به نقطه پایان می‌رسد.

یکی از معیارهایی که برای رفتار مشابه این گونه ترکیب‌های فعلی با ترکیب‌های غایتمند ذکر می‌شود، سازگاری آنها با استمرار است. به عنوان نمونه، بررسی ترکیب‌های «چای خشک کنی» (کامبیز در حال خشک کردن چای است)، «اتو کشیده» (کامبیز در حال اتو کشیدن است) و «گذاشته گرای» (گرایش داشتن و اهمیت دادن به آنچه در گذشته اتفاق افتاده است)، نشان می‌دهد که ترکیب‌های فعلی سنج‌های بسته چندمقداری دارای ویژگی‌های [+پویایی، +تداومی، +غایی و +سنج‌های] هستند.

#### ۲-۱-۲-۲-۴. ترکیب‌های فعلی سنج‌های بسته دو مقداری (تحقیقی واقعی)

علاوه بر ترکیب‌های فعلی سنج‌های بسته چندمقداری، ترکیب‌های فعلی سنج‌های بسته دو مقداری نیز در زبان فارسی مشاهده می‌شود که تحقیق‌های واقعی نامیده می‌شوند. این ترکیب‌ها با مشخصه‌های [+پویایی، -تداومی،

1. theme

+غایی و +سنجه‌ای] شناخته می‌شوند. از آنجایی که این مقوله‌های زبانی تغییر را به صورت لحظه‌ای نشان می‌دهند، بنابراین، به طور معمول به صورت استمراری نمی‌آیند. همچنین ویژگی دیگر آنها [+غایی] بودن آنهاست و زمانی که به نقطه پایانی ذاتی برسند، دیگر ادامه پیدا نمی‌کنند. ترکیب‌های فعلی زیر نمونه‌هایی از ترکیب‌های تحقق‌ی واقعی هستند: «عقده‌گشایی» (آن که گره‌ای را می‌گشاید)، «گلوگیر» (آنچه سبب بسته شدن راه گلو می‌شود)، «نفس‌گش» (خاموش‌شده با نفس)، «دندان‌زده» (گاز گرفته شده و گزیده)، «سرخ‌کرده» (تفت داده یا برشته‌شده در روغن)، «از قلم‌افتاده» (آنچه در هنگام نوشتن یا فهرست کردن، فراموش شده باشد)، «آبرو باخته» (ارزش و اعتبار از دست داده)، «از میان‌رفته» (خراب و متلاشی شده؛ نابود شده)، «از هم‌پاشیده» (آنچه اجزای آن از هم جدا شده یا درهم‌ریخته یا از بین رفته است)، «بته‌مرده» (محصولی مانند خربزه و هندوانه که بته‌اش خشکیده است)، «ترک‌خورده» (آنچه شکاف سطحی در آن ایجاد شده است)، «تیر‌خورده» (آنکه تیر به او اصابت کرده است)، «جوان‌مرگ شده» (آنکه در سال‌های جوانی مرده است)، «چلاق شده» (آنکه دست یا پایش دچار نقص، ناتوانی یا آسیب شده و از کار افتاده است)، «حلق‌آویز» (به‌دار کشیده‌شده)، «خط‌خورده» (نوشته‌ای که بر تمام یا بخشی از آن خط کشیده شده است)، «چله‌بران» (مراسمی که در چهلمین روز پس از زایمان برگزار می‌شود و در آن زائو را به حمام می‌برند و مهمانی می‌دهند) و «فراموش شده» (از یادرفته). نمونه‌های فوق نشان می‌دهند که ترکیب‌های فعلی سنجه‌ای بسته دومقداری، دارای ویژگی‌های [+پویایی] - تداومی، +غایی و +سنجه‌ای] هستند.

#### ۴-۲-۲. ترکیب‌های فعلی سنجه‌ای باز<sup>۱</sup>

این ترکیب‌ها [غیرغایی] هستند به این مفهوم که سنجه مرتب با آنها محدود نیست، حال آنکه ترکیب‌های فعلی سنجه‌بسته (چندنقطه‌ای و دونقطه‌ای) [+غایی] هستند. ترکیب‌های فعلی سنجه‌ای باز را می‌توان از طریق آزمون تفضیلی از ترکیب‌های فعلی سنجه‌ای بسته متمایز کرد. ترکیب‌های فعلی «کش‌دار» (دارای امتداد و کشیدگی)، «کوتاه‌بین» (آنکه نمی‌تواند تحلیل یا پیش‌بینی درستی از وقایع داشته باشد)، «دیرپز» (ویژگی آنچه در مدت طولانی می‌پزد)، «زودرس» (ویژگی آنچه پیش از وقت مقرر پدید می‌آید)، «دیررو» (ویژگی آنچه به‌کندی و در مدت طولانی از میان می‌رود)، «شکم‌داده» (دارای انحنای برجستگی)، «یخ زده/کرده» (در معرض سرمای شدید قرار گرفته) و «پیرشدگی» (چین‌وچروک برداشتن پوست بر اثر ماندن در آب یا گرما) نشان می‌دهند که ترکیب‌های فعلی سنجه‌ای باز دارای ویژگی‌های [+پویایی، +تداومی، -غایی و +سنجه‌ای] هستند. این گروه از ترکیب‌های فعلی را که غیرغایی و سنجه‌ای هستند، تحقیق‌های درجه‌ای می‌نامیم. به‌طور کلی، طبقه‌بندی نمود واژگانی ترکیب‌های فعلی زبان فارسی در جدول ۳ ارائه شده است.

#### ۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، نمود دستوری و واژگانی در ترکیب‌فعلی از طریق ۸۵۷۹ واژه مرکب‌فعلی در زبان فارسی معاصر مطالعه شد. بررسی این پیکره نشان داد که دو نوع نمود دستوری و واژگانی که در فعل و جملات گزارش شده است در ترکیب‌فعلی

1. open

نیز مشاهده می‌شوند. به عبارت دیگر، ساختار درونی ترکیب‌های فعلی در زبان فارسی نشان دهنده گستره زمانی و وجه انجام کنش یا حالت هستند.

### جدول (۳): نظام نمودی واژگانی ترکیب‌فعلی در زبان فارسی

نمونه	مشخصه‌های نمودی				طبقه نمودی		
	[±تداومی]	[±غایی]	[±سنجهای]	[±پویایی]			
همیشه‌دان	+	-	-	-	ایستا (بدون تغییر)		
طناب‌کشی	+	-	-	+	کنشی	غیرسنجهای	غیر ایستا
تک‌پران	-	-	-	+	تک‌رویدادی		
نم‌کشیده	+	+	+	+	چندقطعی	سنجهای	
ترک‌خورده	-	+	+	+	دو نقطه‌ای		
دیرپز	+	-	+	+	باز		

نمود دستوری به صورت‌هایی اشاره می‌کند که از طریق آنها گویشور ساختار درونی رویداد را به لحاظ زمانی بازنمایی می‌کند. به لحاظ معنایی، نمود دستوری روش‌های متفاوت ملاحظه یک رویداد است که این روش‌ها از طریق نشانه‌های متفاوت، نظیر افعال کمکی، پیشوند، پسوند و یا ترکیبی از این عناصر که همراه با فعل می‌آیند، بیان می‌شوند. ترکیب‌های فعلی «سجده‌کنان» (در حال به‌جا آوردن سجده)، «پای‌کوبان» (در حال پای کوبیدن و رقص) و «خواب‌گردی» (در خواب راه رفتن) نمود ناقص دارند، حال آنکه نمونه‌های «کادوپیچ» (پیچیده‌شده در کاغذ کادو)، «مدرس‌رفته» (درس‌خوانده و باسواد) و «چکش‌خورده» (آنچه چکش خورده

است) دارای نمود کامل‌اند. برخی از ترکیب‌های فعلی، نمود دستوری را از طریق نشانه‌های آشکار در ساختار ترکیب فعلی بازنمایی می‌کنند، نظیر «کشاله‌کنان» (در حال خزیدن) و «تیرخورده» (آن که تیر به او اصابت کرده است) که در آنها نمود دستوری، به ترتیب از طریق نشانه‌های «ان» و «ه» که به ستاک برگرفته فعلی متصل می‌شوند، نشان داده شده‌اند. حال آنکه در نمونه‌های «آبادی‌نشین» (آن که مقیم آبادی است) و «آتش سوز» (سوخته از آتش یا آب جوش و مانند آنها)، نمود به صورت آشکار بازنمایی نمی‌شود، بلکه به صورت تلویحی و بدون استفاده از نشانه‌های آشکار بیان می‌شود. بررسی نمونه‌ها مؤید آن است که نمود ناقص در ترکیب‌های فعلی دارای زیربخش‌های عادتی («خواب‌گردی»، در خواب راه رفتن)، تکراری («سنگ‌باران/سنگ‌پاشان»، پرتاب پی‌درپی سنگ) و مستمر («شکرریزان»، در حال خوش صحبتی) است. طبقه‌های برآیندی، مانند «چکش خورده» (آنچه چکش خورده است)، تجربه‌ای، مانند «مارگزیده» (آنکه مار او را نیش زده است)، تداومی، مانند «شیرینی خورده»، (دختری که با مردی نامزد شده است) و غیرتداومی تأثیری، مانند «مهروموم‌شده» (دارای مهر و موم) و تقریبی، نظیر «تازه رسیده» (آنچه یا آنکه به تازگی به جایی وارد شده است)، نمونه‌هایی از ترکیب‌های فعلی دارای نمود کامل‌اند.

نمود واژگانی بیان مشخصه‌های ذاتی [±پویایی]، [±سنج‌های]، [±غایی] و [±تداومی] یک رویداد است که از طریق ستاک برگرفته فعلی ترکیب فعلی بیان می‌شود، بدون اینکه ساختار درونی آن رویداد به لحاظ زمانی ملاحظه شود. ترکیب‌های فعلی برپایه مشخصه‌های نمودی فوق به ترکیب‌های فعلی ایستا و غیرایستا متمایز شدند. ترکیب‌های «زبان‌دان» (آنکه یک یا چند زبان خارجی می‌داند) و «میکروب‌زدایی» (پاک کردن و زدودن چیزی از میکروب)،



به ترتیب نمونه‌هایی از ترکیب‌های فعلی ایستا و غیرایستا هستند. ترکیب‌های فعلی ایستا مشخصه‌های نمودی [-پویایی، +تداومی، -غایی و -سنجه‌ای] دارند. ترکیب‌های فعلی غیرایستا براساس مشخصه‌های نمودی [±پویایی]، [±سنجه‌ای]، [±غایی] و [±لحظه‌ای]، به طبقه‌های نمودی کنشی، تک‌رویدادی، غایتمندی، تحقیقی درجه‌ای و تحقیقی واقعی تقسیم می‌شوند. ترکیب‌های فعلی کنشی و تک‌رویدادی غیرسنجه‌ای هستند. ترکیب‌های فعلی نظیر «خشک شویی» (شستن و تمیز کردن لباس، پارچه، چرم و مانند آنها با مواد شیمیایی و با آب کم یا بدون آب در ماشین‌های مخصوص)، ترکیب‌های سنجه‌ای بسته چندمقداری هستند؛ زیرا تغییر به صورت فرایندی و مرحله‌به‌مرحله رخ می‌دهد تا به نقطه پایان برسد. ترکیب‌های فعلی سنجه‌ای بسته دومقداری نظیر «بته‌مرده» (محو صولی مانند خربزه و هندوانه که بته‌اش خشکیده است)، تغییر را به صورت لحظه‌ای نشان می‌دهند و دارای ویژگی‌های [+پویایی، -تداومی، +غایی و +سنجه‌ای] هستند. ترکیب‌های فعلی نظیر «دیرپز» (آنچه در مدت طولانی می‌پزد)، نمود سنجه‌ای باز دارند و برخلاف ترکیب‌های سنجه‌ای بسته غیرغایی‌اند و سنجه محدود ندارند.

### منابع

- اکاتی، فریده و عطاءالله سنچولی. (۱۳۹۷). «نمود استمراری در زبان فارسی بر اساس نظریه‌ی پیش‌نمونی». *زبان پژوهی*. ۲۹/۱۰: ۲۱۹-۲۴۱.
- انوری، حسن، (۱۳۸۶) *فرهنگ بزرگ سخن*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سخن.
- برزگر، حسن، و کریمی دوستان، غلامحسین. (۱۳۹۶). «نمود واژگانی در افعال مرکب مشتق از صفت در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبانی*. ۱/۸: ۴۱-۵۸.

- چراغی، زهرا و کریمی دوستان، غلامحسین. (۱۳۹۲). «طبقه بندی افعال زبان فارسی بر اساس ساخت رویدادی و نمودی». *پژوهش‌های زبانی*. ۴/۴۲: ۴۱-۶۰.
- خباز، مجید. (۱۳۸۵). *ترکیب غیرفعلی در زبان فارسی* (رساله دکتری). تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۸۴). «فعل مرکب در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان شناختی فارسی* (مجموعه مقالات). تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۴۹-۱۹۹.
- دستلان، مرتضی؛ زینب محمد ابراهیمی، راضیه مهدی بیرق دار و بلقیس روشن (۱۳۹۵). «نمود در زبان فارسی؛ نگاهی نو بر پایه رویکرد شناختی بسط استعاری و مؤلفه‌های نمودی». *دو ماهنامه جستارهای زبانی*. ۳۱/۳: ۶۹-۸۶.
- رحیمیان، جلال. (۱۳۸۶ الف). «ارتباط صوری و معنایی نمود در زبان فارسی». *مجموعه مقالات هفتمین همایش زبان شناسی ایران*. به کوشش محمد دبیرمقدم، مصطفی عاصی، ارسلان گلفام و یحیی مدرسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. ۲۴۴-۲۶۰.
- رضایی، والی. (۱۳۹۱). «نمود استمراری در فارسی معاصر». *فنون ادبی*. ۶/۱: ۷۹-۹۲.
- شقاقی، ویدا. (۱۳۸۹). *مبانی صرف*. تهران: انتشارات صرف.
- غنچه‌پور، موسی. (۱۳۹۲). *ترکیب فعلی در زبان فارسی* (رساله دکتری). تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- نغزگوی کهن، مهرداد. (۱۳۸۹). «افعال معین و نمایش نمود در زبان فارسی». *ادب پژوهی*. ۱۴: ۹۳-۱۱۰.
- Borik, O. (2006). *Aspect and Reference Time*. Oxford: University Press.
- Bybee, J. L., Perkins, R. D., & Pagliuca, W. (1994). *The Evolution of Grammar: Tense, Aspect, and Modality in the Languages of the World*. Chicago: University of Chicago Press.
- Chomsky, N. (1981). *Lectures on Government and Binding*. Dordrecht: Foris.
- Comrie, B. (1976). *Aspect: An Introduction to the Study of Verbal Aspect and Related Problems*. Vol. 2. Cambridge: university press.
- Comrie, B. (1989). *Language Universals and Linguistic Typology* (2nd edition). Oxford: Blackwell..

- Dahl, E. (2010). *Time, Tense, and Aspect in Early Vedic Grammar*. Leiden: Boston.
- Declerck, R. (2007). "Distinguishing between the aspectual categories (a)telic, (im)perfective and (non)bounded. *Kansas Working Papers in Linguistics*. 29: 48-64. DOI: 10.17161/KWPL.1808.1787.
- Don, J. (2009). "IE, Germanic: Dutch". In R. Lieber and P. Štekauer (eds). *The Oxford Handbook of Compounding*. Oxford: University Press. 370-386.
- Dowty, D. (1979). *Word Meaning and Montague Grammar*. Reidel: Dordrecht.
- Fillip, H. (2012). "Lexical aspect". In R. I. Binnick (ed). *The Oxford Handbook of Tense and Aspect*. Oxford: University Press. 721-751.
- Harley, H. (2009). "Compounding in distributed morphology". In R. Lieber and P. Štekauer (eds). *The Oxford Handbook of Compounding*. Oxford: University Press. 105- 129.
- Hay, J., C. Kennedy, and B. Levin. (1999). "Scalar Structure Underlies Telicity in Degree Achievements". *SALT*. 9: 127-144.
- Kearns, K. (2011). *Semantics*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- MacDonald, J. E. (2008). "Domain of aspectual interpretation". *Linguistic Inquiry*. 39(1): 128-147.
- Nurse, D. (2008). *Tense and Aspect in Bantu*. Oxford: University Press.
- Olsen, M. B. (1994). "The semantics and pragmatics of lexical aspect features". *Studies in the Linguistic Science*. 24.1-2:361-375.
- Olsen, M. B. (1997). *A Semantic and Pragmatic Model of Lexical and Grammatical Aspect*. New York: Garland.
- Porter, S. (1989). "*Verbal aspect in the Greek of the New Testament, with reference to tense and mood*". *Studies in biblical Greek*. Vol, 1. New York: Peter Lang.
- Rappaport Hovav, M. and B. Levin. (2010). "*Reflections on manner/result complementarity. Lexical Semantics, Syntax, and Event Structure*". In M. R. Hovav, E. Doron & I. Sichel (eds). *Syntax, lexical semantics, and event structure*. Oxford & New York: Oxford University Press. 21-38.
- Robertson, A. T. (1923). *A Grammar of the Greek New Testament in the Light of Historical Research* (4<sup>th</sup> ed). Nashville: Broadman.

- Rothstein, S. (2004). *Structuring Events: A Study in the Semantics of Lexical Aspect*. Oxford: Blackwell.
- Smith, C. (1991/1997). *The Parameter of Aspect*. Dordrecht: Kluwer.
- Tenny, C. & Pustejovsky, J. (eds). 2000. "Events as grammatical objects: The converging perspectives of lexical semantics and syntax". *Вопросы языкознания* 3. Stanford, California: CSLI Publications. 125-133.
- Travis, L. (2010). *Inner Aspect: The Articulation of VP*. Canada: McGill University.
- Vendler, Z. (1967). *Verbs and Times. Linguistics in Philosophy*. Z. Vendler. Ithaca, New York: Cornell University Press. 97-121.
- Verkuyl, H. J. (1989). "Aspectual classes and aspectual composition". *Linguistics and Philosophy*. 12 (1): 39-94.